

ویسنده: مارک ایپسکوفوس ()
منبع و تاریخ نشر: ریسیونسیبل ستیت گرفت «27-08-2-24»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»



اوکراین و غرب در حال عبور از خطوط قرمز هستند. چرا روسیه واکنشی نشان نمی دهد.

Ukraine and West are crossing red lines. Why isn't Russia reacting?

نیروهای پوتین -کشورهای غیر غربی که با آمریکا همسو نیستند- نیز مانع از بالا بردن سطح اوج شده است در اینجا دلیل است

Putin's aces — non-Western countries unaligned with the US — are also preventing him from upping the ante. Here's why.

دنیای جاسوسی دوران جنگ سرد توسط **جیمز ژسوس انگلتون**، رئیس سابق ضد جاسوسی سیا «سی آی ای»، به عنوان بیابانی از آینه‌ها توصیف شد، یکی از آن سکه‌های کمیاب که به زیبایی؛ موضوع خود را به تصویر می‌کشد که نیاز به توضیح کمی ندارد. بیابان آینه‌ها خود یک تخصیص ادبی نسبتاً درخشان از T.S. **شعر الیوت** در سال (1920) Gerontion، پرتزه ای ترسناک از ذلت بین جنگ‌ها که نسلی از اروپایی‌ها را که با سرعتی سرسام‌آور به سوی فاجعه‌ای دیگر و حتی بزرگ‌تر در کمین می‌آیند، گرفت

انگلتون این عبارت را از متن اصلی و مسلماً بسیار متفاوت آن بیرون کشید تا درک در تاریکی را به تصویر بکشد - یا به قول **الیوت**، شجاعت بسیاری از «گذرگاه‌های حیل‌گر» و «راهروهای ساختگی» زندگی را فقط برای رسیدن به پژواک دوردست از حقیقت نشان دهد که بخشی از کار اطلاعاتی و ضد جاسوسی است.

اما این مشکلات ادراکی در دنیای پیرامونی دولت داری، جایی که رهبران باید از دشمنان بازدارند و تعهدات بین‌المللی را نه، در اکثر موارد، با اعمالشان، بلکه با سیگنال‌هایی که به هم‌تایان خود می‌فرستند، حفظ کنند، کمتر برجسته نیست. ساختار نظام بین‌الملل توسط این سیگنال‌ها و مجموعه وسیعی از سیاست‌ها، نهادها و ترتیبات زیربنای آنها حفظ می‌شود.

ارز اصلی پشت سیگنال دهی، اعتبار است، که توسط یک قابلیت متناسب برای بهبود سیگنالی که فرد در تلاش برای ارسال است، پشتیبانی می‌شود. به عنوان مثال، ائتلاف **نا تو** و ماده 5 دفاع دسته جمعی آن بر این اطمینان است که آمریکا از شرکای اروپایی خود در صورت تجاوز توسط یک کشور دیگر دفاع خواهد کرد. همان‌طور که با همکارانم **آنا تولیون** و **جورج بیبی** نوشته‌ام، تمام شواهد موجود نشان می‌دهد که رهبری روسیه کم و بیش این تضمین امنیتی ایالات متحده را معتبر می‌داند و رویکرد خود را نسبت به جناح شرقی **نا تو** بر این اساس شکل می‌دهد.

در همین حال، بزرگ‌ترین چالش روسیه - چالشی که رقیب است و به طور بالقوه از مشکلات میدان نبردی که در اوکراین و اکنون منطقه مرزی آن در کورسک با آن روبه‌رو است پیشی می‌گیرد - یا فتن راه‌هایی برای بازدارندگی معتبر غرب از ادامه کمک‌ها و عرضه به اوکراین بوده است. درست‌کمتر از 30 ماه پیش، روزی که تنها جم‌آغاز شد، **ولادیمیر پوتین**، رئیس‌جمهور روسیه هشدار داد که هر کسی که مداخله کند، "عواقبی را متحمل خواهد شد که شما هرگز ندیده‌اید."

از آن زمان، غرب با موفقیت، با برخی اقدامات، عملیات کمک امنیتی بی‌سابقه‌ای را برای اوکراین هماهنگ کرده است، به طور پیوسته درگیری خود را با انواع جدید تسلیحات عمیق ترمی‌کند و با کاهش یا به کلی کنار گذاشتن دستورات قبلی خود که توانایی اوکراین برای حمله به قلمرو روسیه به رسمیت شناخته شده بین‌المللی را محدود می‌کند، انجام داده است.

مسکو از یک رویارویی هسته‌ای بسیار لذت می‌برد. اما همین را نمی‌توان در مورد توانایی آن در بازدارندگی از درجه بازدارندگی غرب در مورد مسئله مداخله مستقیم غرب در جنگ گفت، اگر دلیل دیگری جز احتمال ریختن چنین حرکتی به یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر یک تار مو از آن نباشد. تمام تلاش خود را برای کمک غیرمستقیم به اوکراین انجام می‌دهد.

آخرین طرح **پوتین** برای منصرف کردن از دخالت بیشتر غرب در جنگ اوکراین، تهدید به مسلح کردن مخالفان غرب در تلافی بود، ظاهراً با این باور که این سیاست هزینه‌ها را برای شرکای غربی اوکراین افزایش می‌دهد به طوری که آنها یا عقب نشینی می‌کنند یا حداقل از ادامه کار خودداری می‌کنند. تعمیق تعهد خود به کیف.

با این حال، پس از گذشت سه ماه، روسیه هنوز نتوانسته این تهدید را جبران کند. همانطور که به نظر می‌رسد، این نوع رفتار تنبیهی هرگز کاملاً برای هدف مناسب نبود، به ویژه به این دلیل که روسیه فاقد ظرفیت لازم برای موفقیت بدون استفاده از قلم قرمز در سایر بخش‌های مجموعه جهانی خود در زمینه منافع یا علایق نظامی، اقتصادی و سیاسی است.

درست زمانی که ظاهراً کرملین در حال آماده شدن برای مسلح کردن شورشیان حوثی در یمن علیه ایالات متحده بود، واشنگتن یک فشار دیپلماتیک را با عربستان سعودی هماهنگ کرد تا در دست مسکو بماند. روسیه و کره شمالی در ماه ژوئن یک پیمان دفاعی امضا کردند که هر دو طرف آن را با شکوه تبلیغ کردند، اما تا به امروز هیچ مدرکی مبنی بر برنامه ریزی روس‌ها برای ارسال محموله‌های مهم تسلیحاتی به کره شمالی وجود ندارد. تا کنون برعکس بوده است و کره شمالی میلیون‌ها گلوله توپ را به روسیه ارسال کرده است.

شاید کره شمالی‌ها معتقدند که از راه‌های دیگری سود می‌برند، از جمله اهرم سیاسی که روابطشان با روسیه بر شریک اصلی خود یعنی **چین** می‌دهد، اما هیچ چیزی شبیه به تبادل تسلیحات بین مسکو و پیونگیانگ وجود نداشته است.

درک دلیل آن دشوار نیست: هرگونه تلاش در مقیاس بزرگ برای تسلیح کره شمالی می‌تواند برای روابط روسیه با کره جنوبی که به رغم مشارکت تنگاتنگ جمهوری خلق کره با واشنگتن و حساسیت آشکار به آمریکا، پس از تهاجم اوکراین در سال 2022 به طور کامل مختل نشده است، کشنده باشد. منافع **چین** نیز از اثرات بی‌ثبات کننده‌ای که تخریب تسلیحات گسترده روسیه به کره شمالی می‌تواند در سرتاسر منطقه اعمال کند، ناامید می‌شود، و روابط چین رابطه‌ای است که روسیه نمی‌تواند آن را پیچیده کند.

با عطف به خاورمیانه، ایران به عنوان یک کاندیدای آشکار برای سخاوت روسیه ظاهر می‌شود - در نهایت، این یک دشمن ایالات متحده است که درگیر مبارزه‌ای تلخ با یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا، اسرائیل است. اما اینجا نیز کرملین خود را در حال گشت و گذار بین اسکیلا و چار بیدیس می‌بیند.

بخشی از استراتژی پیچیده روسیه در خاورمیانه پس از مداخله در جنگ داخلی سوریه، حمایت از یک رابطه پایدار و در سطح شریک با اسرائیل بوده است. هم پوتین و هم بی‌بی نتانیا هو همتای اسرائیلی او روابط صمیمانه بین دو کشور خود را به عنوان یک

دست‌آورد شخصی می‌دانند و به‌طور قابل‌توجهی از کنار گذاشتن این روابط بیزار بوده‌اند، حتی در شرایطی که جنگ اوکراین و جنگ 2023 غزه آنها را در طرف‌های مختلف سنگر قرار داده است.

اگرچه مسکو به‌طور مکرر اسرائیل را به خاطر رفتارش در غزه تحت فشار قرار داده است، اما این نوع خراش‌های لفاظی یک چیز است. تا مین سیستم‌های تسلیحاتی بزرگ برای دشمن ایرانی اسرائیل کاملاً چیز دیگری است و تا کنون پلی که پوتین مایل به عبور از آن نبوده است.

به بیان ساده، روسیه در حال تمام شدن دشمنان غربی است که می‌توانند بدون تأثیر منفی بر منافع خود مسلح شوند. بازیگران بالقوه کوچک تری در آمریکای لاتین و بخش‌هایی از آفریقا باقی می‌مانند، اما در این موارد، تأثیر چنین مقرراتی به احتمال زیاد بسیار ناچیز است تا بتواند اثر تنبیهی را داشته باشد که دلیل وجودی روسیه برای دنبال کردن این سیاست انتقال تسلیحات در اولین بار است.

محل معمایی که مسکو خود را در آن می‌بیند، جنبه عمیق‌تری از تلاش‌های جنگی آن در اوکراین را آشکار می‌کند: توانایی مسکو برای حفظ روابط با تقریباً کل جهان غیر غربی، علی‌رغم کمپین انزوای مداوم غرب، هم‌داری و هم‌یک‌دهی است. روسیه را از فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک غرب که ممکن است در مراحل آغازین جنگ با موفقیت آن را فلج کرده باشد، حفظ می‌کند. اما این روابط مجموعه‌ای از موانع را نیز به همراه دارد که مسکو را از تعقیب اشکال مختلف تشدید و تلافی باز می‌دارد.

این محدودیت‌ها به آینه‌های بیابانی اشاره می‌کنند که حول و حوش جنگ در اوکراین ایجاد شده است - مجموعه‌ای از انتظارات و هنجارها که اگرچه هرگز مدرن و تا حد زیادی ناگفته‌اند، با این وجود تأثیر انضباطی واقعی بر شرکت‌کنندگان دارد. این منطق باید عمیق‌تر مورد مطالعه قرار گیرد و به عنوان بخشی از ابزار سیاست ایالات متحده برای پایان دادن به جنگ با شرایط حداکثر سودمند برای غرب و اوکراین یکپارچه شود.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

مارک اپیسکوپوس

مارک اپیسکوپوس، پژوهشگر اوراسیا در موسسه کوئینسی برای امور دولتی مسئولیت پذیر است. او همچنین استادیار تاریخ در دانشگاه مریمونت است. Episkopos دارای دکترای تاریخ از دانشگاه آمریکایی و مدرک کارشناسی ارشد در امور بین‌الملل از دانشگاه بوستون است.

با تقدیم احترامات «2024-08-28»